



ادبیات فارسی پایه چهارم

درسنامه‌ی درس ۵ (طوطی و بازرگان)



کلمات مترادف: به کلماتی گفته می‌شود که معنی آنها مثل هم است و کمک می‌کنند تا سخن، زیبایی و تنوع خاصی پیدا کند.

رهایی: آزادی	بازرگان: تاجر	سخن: حرف	غلام: خدمتکار مرد	کنیز: خدمتکار زن
سوغاتی: هدیه ای که از سفر برای دوستان می‌آورند	ارمغان: هدیه، سوغات	کارمّت: که برای تو بیاورم	خطّه: سرزمین	کان: مخفف که آن
مشتاق: آرزومند	پیغام: پیام	قضا: تقدیر، سرنوشت	حبس: زندان	چاره: راه حل
شگفت زده: کسی که تعجب کرده	زین: مخفف از این	خویش: خودش	شادکام: خوشحال	خواجه: سرور، تاجر
همتا: همانند، مثل	زهره اش بدرید: ترسید	شکرسخن: شیرین زبان	بوی بُرد: فهمید، متوجه شد	شرمندگی: خجالت زدگی
دریافت: دانست، فهمید	بند: اسارت، گرفتاری	شیرین: تلخ	بند: اسارت، گرفتاری	بند: اسارت، گرفتاری



کلمات متضاد: کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم، مخالف هم هستند.

ثروتمند ≠ فقیر	زیبا ≠ زشت	گران بها ≠ ارزان	خوشحال ≠ ناراحت
حبس ≠ آزاد	مُرده ≠ زنده	کوتاه ≠ بلند	رهایبی ≠ اسارت
پرسش ≠ پاسخ، جواب	خام ≠ پخته	شیرین ≠ تلخ	



کلمات هم خانواده :

به کلماتی گفته می شود که **۳ شرط** زیر را داشته باشند :

شرط ۱ : از **یک ریشه** گرفته شده باشند.
(مثل اعضای یک خانواده که در یک خانه زندگی می کنند)

شرط ۲ : حروف اصلی در کلمات هم خانواده باید به ترتیب **وپشت سر هم** بیایند

شرط ۳ : از نظر **معنی** به هم **نزدیک** باشند.



موضوع ، وضع ، اوضاع
مشتاق ، اشتیاق ، شوق
تجارت ، تاجر ، تَجَّار
موضوع ، وضع ، اوضاع

دانش زبانی

ساخت کلمات مُرکَّب با پسوند (نامه)

وقتی که یک کلمه به **آخر** کلمه ای دیگر اضافه می شود و یک کلمه ی جدید که دارای معنی

است را می سازد به آن **پسوند** می گویند .

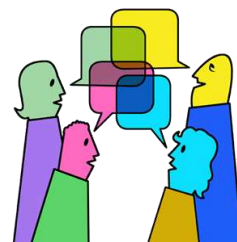
وقتی پسوند (نامه) به انتهای بعضی کلمات اضافه می شود ، کلمه ای مرکب با معنای جدید

می سازد، به نوعی نوشته اشاره می کند که در آن اطلاعاتی آورده شده است .

کتاب + **نامه** = کتابنامه : نوشته ای که در آن مشخصات کتاب می آید .

شناس + **نامه** = شناسنامه : نوشته ای که در آن اطلاعات شخصی هر فرد می آید .

روز + **نامه** = روزنامه : نوشته ای که در آن اخبار مربوط به یک روز می آید .



تقدیر + نامه = تقدیرنامه : نوشته ای که در آن تشکر و قدردانی از یک نفر می آید .
شاه + نامه = شاهنامه : نوشته ای که در آن شعرهای فردوسی ، شاعر بزرگ ایرانی آمده است .
دعوت + نامه = دعوتنامه : نوشته ای که در آن دعوت کردن از شخصی در مراسمی آمده است .

گفت طوطی را « چه خواهی ارمغان
کارمّت از خطّه ی هندوستان ؟ »
بازرگان به طوطی گفت : « چه هدیه ای می خواهی که از سرزمین هندوستان برایت بیاورم ؟ »
گفت آن طوطی که « آنجا طوطیان
چون بینی ، گن ز حال ما بیان
طوطی گفت : « وقتی در آنجا طوطیان را دیدی ، حال من را برای آنها تعریف کن . »
کان فلان طوطی که مشتاق شماسست
از قضای آسمان در حبس ماست ! »
بگو ، آن طوطی که آرزوی دیدن شما را دارد به خاطر سرنوشت پیش من زندانی (در قفس) است .
این ، چرا کردم ؟ چرا دادم پیام ؟
سوختم بیچاره را زین گفتِ خام !
چرا این کار را کردم و پیام طوطی (خودم) را رساندم ؟ طوطی بیچاره را با این حرف نسنجیده ناراحت کردم
کرد بازرگان تجارت را تمام
باز آمد سوی منزل ، شادکام
بازرگان تجارتش را تمام کرد و خوشحال به سمت خانه برگشت
هر غلامی را بیاورد ارمغان
هر کنیزک را ببخشید او نشان
برای هر غلام یک سوغاتی آورد و به هر کنیز یک هدیه داد
گفت طوطی : « ارمغان بنده کو ؟
آنچه گفتمی و آنچه شنیدی ، بازگو ! »
طوطی گفت : « هدیه ی من کجاست ؟ هر چیزی که گفتمی و شنیدی را برایم تعریف کن
گفت : « گفتم آن شکایت های تو
با گروه طوطیان ، همتای تو
بازرگان گفت : « شکایت های تو را با گروهی از طوطیان مثل خودت در میان گذاشتم
آن یکی طوطی ز دردت بوی بُرد
زهره اش بدید و لرزید و بمُرد ! »
یکی از طوطیان که از درد تو آگاه شد ، ترسید و لرزید و مُرد

مثنوی معنوی :

این شعر از کتاب مثنوی معنوی است . مثنوی معنوی نام کتاب شعری از مولانا ، شاعر و عارف قرن هفتم است و ۲۶۰۰۰ بیت دارد .